

A Jurisprudential Examination of the Requirement of Husband's Permission for Wife's Cosmetic Surgery

Ali Jahanian¹

Nasser Nikkhoo Amiri²

Gholam Sakhi Alizadeh³

(Received on: 2023-07-17; Accepted on: 2023-11-11)

Abstract

Cosmetic surgery has emerged as a significant issue in medicine, particularly in the past decade due to advancements in surgical techniques. It is important to examine this topic from the perspective of hadiths and Islamic jurisprudence to determine whether a husband's permission is necessary for his wife's cosmetic surgery. Through bibliographical and analytic-descriptive methods, this research demonstrates that there are no specific hadiths addressing the requirement of a husband's permission for such procedures. Although some hadiths discuss the need for a woman to seek her husband's permission before leaving the home, these do not necessarily extend to cosmetic surgery, as scholars do not have a consensus on implications of these hadiths. Given the absence of explicit prohibitions against cosmetic surgery, some jurists have utilized the principles of permissibility (*ibāḥa*), hardship and difficulty (*al-'usr wa-l-ḥaraj*), emergency, control, and exigency to argue that a husband's permission is not required. However, if a husband denies permission, these principles apply unless they conflict with a husband's obligatory rights, such as sexual enjoyment (*istimtā*). In cases of conflict, the principle of prioritizing more important rights would lead to the husband's right being given precedence over the cosmetic surgery.

Keywords: husband's permission, cosmetic surgery, prohibition, lawfulness, permissibility.

1. Professor, Advanced Levels of the Seminary, Qom, Iran (corresponding author). Email: jahanian280@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Its Principles, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: amin107962.nkhko@yahoo.com

3. PhD student, Private Law, al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: ghulamsakhi673@gmail.com

بررسی فقهی اذن شوهر در جراحی زیبایی همسر

علی جهانیان^۱

ناصر نیکخواهی^۲

غلام‌سخی علیزاده^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰]

چکیده

«جراحی زیبایی» یکی از مباحث نوظهور در دانش پزشکی است که بر اثر پیشرفت دانش جراحی، در سده اخیر گسترش یافته است؛ بنابراین ضروری است از دیدگاه روایی و فقهی مورد پژوهش قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که آیا اذن شوهر در جراحی زیبایی زوج شرط است؟ تحقیق حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد روایتی که به صراحت دلالت بر اذن و عدم اذن شوهر در جراحی زیبایی کند، وجود ندارد. از روایات ناظر بر خارج نشدن زن از منزل بدون اذن شوهر نیز نمی‌توان اذن شوهر در جراحی زیبایی را استنباط کرد؛ فقیهان نیز درباره مفاد و دلالت روایات مذکور به رویه واحدی نرسیده‌اند؛ از این رو به علت نبود حکم حرمت بر جراحی زیبایی، برخی فقیهان با استناد به قاعده اباحه، عسر و حرج، ضرورت، تسلیط و مصلحت، قائل به شرط نبودن اذن شوهر در جراحی زیبایی شده‌اند. باید اذعان کرد اعتبار دلایل مذکور در فرض اذن ندادن شوهر در جراحی زیبایی تا جایی است که با حق واجب زوج (استمتاع) منافات نداشته باشد، وگرنه در مقام تراحم از باب قاعده اهم و مهم، حق زوج مقدم بر انجام جراحی زیبایی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اذن شوهر، جراحی زیبایی، حرمت، حلیت، اباحه.

۱. استاد سطوح عالی حوزه‌های علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) jahanian280@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران Amin107962.nikkho@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران Ghulamsakhi673@gmail.com

مقدمه

زیبایی دوستی و میل به زیبایی امری فطری است که هر شخص طالب آن است و این امر از آغاز زندگی بشر هرچند با تغییراتی به حیث کمیت و کیفیت وجود داشته است. با ظهور انقلاب صنعتی و رشد دانش و تکنولوژی، زندگی بشر به شدت متأثر شد و عوامل و نیروهای زیادی همانند افکار عمومی، اتاق‌های فکر، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، نیروهای تصمیم‌ساز و... در تصمیم‌گیری انسان در زندگی‌اش وارد شدند تا اشخاص افزون بر خواست‌ها و میل‌های درونی، نگاه‌های اجتماعی را نیز در تصمیم‌گیری‌های خود شریک کنند. جراحی زیبایی یکی از پدیده‌های نوظهور در دانش پزشکی است که با رشد و توسعه دانش پزشکی، پدیده پیش‌گفته در اجتماع گسترش یافت و افراد جامعه به‌ویژه گروه زنان (به طور عام) و هنرمندان (به طور خاص) خود را در معرض تیغ جراحی زیبایی قرار دادند؛ همچنین هرچه زمان می‌گذرد، این پدیده توسعه بیشتری می‌یابد.

با توجه به اینکه بر اثر عقد نکاح و به وجود آمدن علقه زوجیت، حق (استمتاع) از سوی شوهر در برابر زوجه پدید می‌آید و زوجه مکلف به رعایت حق زوج است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اذن شوهر در انجام عمل جراحی از سوی زوجه شرط است؟ در فرض پاسخ مثبت، گستره اذن تا کجاست؟ آیا روایت یا روایاتی در این باره وجود دارد که بر شرط یا شرط نبودن اذن در باب جراحی زیبایی دلالت نماید؟ نگاه فقیهان در این باب چگونه است؟ از آنجاکه پژوهش حاضر در نوع خود بدیع و جدید است، مشکلات و دشواری‌های خاص خود را دارد و بر اساس تتبع نگارندگان تا کنون در این باره پژوهشی انجام نشده است؛ تنها یک پژوهش با عنوان «مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوجه در اعمال جراحی زیبایی زوجه» توسط صالحی و باقری مطلق (۱۳۹۶) با رویکرد فقهی و حقوقی انجام شده است؛ اما در این تحقیق اولاً دیدگاه‌های فقیهان به طور کافی بسط داده نشده است؛ ثانیاً دیدگاه‌های فقیهان درباره اذن را از باب ولایت و قیمومیت در قرآن مورد بحث قرار داده

است؛ درحالی که نگارندگان در این جستار با رویکرد روایی و برداشت فقیهان از روایات، اذن و عدم اذن را فارغ از ولایت و قیمومیت، بررسی و تحلیل کرده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

از جمله مفاهیم کلیدی در این جستار، «اذن» است. اذن در لغت به معنای «اجازه‌دادن، رخصت» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۵۰۶؛ طریحی، ۱۴۱۶: ص ۱۹۹ - ۲۰۰؛ قرشی، ۱۴۱۲: ص ۵۶) و «دستور» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۱۳) آمده است. با جستجو در کتب لغت استنباط می‌گردد که اذن در سه معنا به کار برده شده است: اعلام، اباحه و رخصت و امر و فرمان. اذن در اصطلاح عبارت است از:

۱. ابراز رضایت: بدین مفهوم که اذن در واقع رخصت در تصرف از جانب مالک یا کسی است که در حکم مالک (نایب) است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۵۰۶).

۲. «رخصت دادن و برداشتن مانع یا اعلام رضایت به آن است» (غروی اصفهانی، ۱۴۰۸: ص ۱۳۱).

۳. «برطرف نمودن منع و ساقط نمودن حق است» (زیلعی، [بی تا]: ص ۲۳).

۴. «حقیقت اذن، ترخیص و رفع مانع یا اظهار رضایت است» (اصفهانی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۷۷). به هر حال در تعاریف پیش گفته، اذن به معنای «رفع مانع»، «اعلام رضایت» و «اباحه» به کار رفته است؛ اما مراد از اذن در این جستار به این گستردگی نیست، بلکه اذن عبارت است از دادن مجوز عمل برای زوجه از سوی زوج برای جراحی زیبایی؛ اعم از اینکه اذن صریح یا غیر صریح و به طور قرائن حالیه و مقالیه باشد.

درباره اینکه ماهیت اذن چیست و آیا عمل حقوقی است یا واقعه حقوقی، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل به واقعه حقوقی شده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۲۹؛ انصاری، ۱۴۲۰: ج ۳، ص ۳۲۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۷۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۶) و برخی دیگر قائل به عمل حقوقی بودن اذن شده‌اند (خوانساری، ۱۴۱۸: ج

۱، ص ۳۶۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶: ص ۱۳۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۳۸۹؛ اما از آنجاکه اذن دهنده حین اذن دادن مفهوم حقوقی را انشا می‌کند، باید گفت اذن، عمل حقوقی است؛ زیرا اثر اذن، اباحه و جواز تصرف است.

جراحی زیبایی، یکی دیگر از مفاهیم اساسی در این جستار است. جراحی زیبایی یعنی «انجام عمل جراحی برای تغییر ساختمان‌های طبیعی بدن که ظاهر بیمار را بهبود بخشیده و به او اعتماد به نفس می‌دهد» (اولسن، ۱۳۸۸: ص ۸). همچنین درباره جراحی زیبایی گفته‌اند: «عمل بازسازی اصلاح و بهبود شکل ظاهری عضوی، مانند بینی، فک» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ج ۶، ص ۶۹). از این تعاریف این نکته استنباط می‌گردد که جراحی زیبایی به منظور زیباسازی و جذابیت بخشیدن جزء یا اجزای ظاهری جسم انسان انجام می‌گیرد و به افزایش زیبایی عضو طبیعی و سالم کمک می‌کند و هدف آن، اصلاح شکل و عملکرد یک عضو نیست. به بیان دیگر جراحی زیبایی به منظور ارتقای عضو مربوط از حیث زیباشناسی است و هیچ‌گونه ضرورت معقول و متعارف برای درمان آن نیست؛ پس ملاک درستی عنوان جراحی زیبایی، سالم بودن عضو مربوط است که این خود محل بحث و مناقشه برای تعیین یک معیار است تا بتوان گفت این عضو طبیعی است و آن عضو غیرطبیعی را دچار مشکل کرده است (کلهرنیا گلکار و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۸۴). پس جراحی زیبایی درمانی و جراحی ترمیمی که بر اساس ضرورت و به منظور رفع عیب و نقص انجام می‌شود، خارج از گستره پژوهش حاضر است؛ چراکه این دو مورد بر اساس ضرورت معقول و متعارف انجام می‌شود. بحث حاضر در موردی است که یک عضو طبیعی به منظور زیبایی محض جراحی می‌شود و هدف آن، اصلاح و ترمیم عملکرد یا شکل یک عضو نیست، بلکه هدف، ارتقای آن عضو به لحاظ زیباشناسی است. در نتیجه ملاک و ضابطه برای صدق عنوان جراحی زیبایی، سالم بودن عضو مربوط است که از آن به «جراحی زیبایی» یا «جراحی پلاستیک زیبایی» یاد می‌شود.

۲. طرح بحث

عمل جراحی زیبایی یکی از مسائل در ارتباط با حقوق زوجین است؛ به همین دلیل ضروری است این موضوع از دیدگاه روایات و فقیهان بررسی شود. باید گفت از نظر فقهی انجام اصل عمل جراحی زیبایی ایرادی ندارد؛ اعم از اینکه برای رفع عیب و نقص باشد یا برای زیباتر شدن انجام شود (خویی، ۱۴۲۷: ص ۲۴۱؛ تبریزی، ۱۴۲۷: ج ۹، ص ۲۹۱)؛ اما پرسش از این حیث طرح می شود با توجه به اینکه بر اثر عقد نکاح، حقوق و تعهداتی در برابر هر کدام از زوجین پدید می آید، آیا جراحی زیبایی منافات با آثار ناشی از عقد نکاح دارد؟ به بیان دیگر آیا در انجام عمل جراحی زیبایی زوجه، اذن زوج شرط است؟ دلالت روایات و به تبع آن دیدگاه های فقیهان در این باب چگونه است؟ ارائه پاسخ دقیق به پرسش های پیش گفته، مستلزم بررسی روایات مربوط و دلالت یا عدم دلالت آن بر موضوع حاضر است.

۳. شرط بودن یا نبودن اذن شوهر در عمل جراحی زیبایی از دیدگاه روایات

در قرآن نص صریحی در این باره وجود ندارد؛ همین طور روایاتی که به صراحت ناظر بر بحث حاضر باشد نیز منتفی است؛ زیرا پژوهش حاضر یکی از مسائل مستحدثه است که بر اثر دانش پزشکی رشد و توسعه پیدا کرده است. با این وجود روایاتی در انجام امور غیر عبادی از قبیل خروج از منزل، اذن شوهر را برای زوجه لازم می داند. پرسش این است که آیا با استناد به این روایات می توان اذن شوهر را در انجام عمل جراحی زیبایی استنباط کرد یا خیر؟ این روایات عبارت اند از:

الف) علی بن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر (ع) پرسیدم: آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؟ فرمودند: خیر. پرسیدم: آیا می تواند بدون اذن او روزه بگیرد؟ فرمودند: مانعی نیست (عاملی، ۱۴۱۱: ص ۱).

ب) امام باقر (ع) می‌فرماید: «زنی نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: از او اطاعت کند و نافرمانی نداشته باشد... از خانه‌اش بدون اذن خارج نشود، وگرنه فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان خشم و رحمت او را نفرین کنند تا به خانه برگردد» (کلینی، ۱۳۶۵: ص ۵۰۷).

ج) امام جعفر صادق (ع) فرمود: «هر زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد» (کلینی، ۱۳۶۵: ص ۱۱۶).

از حیث سند باید گفت همهٔ راویان روایات فوق معتبرند؛ از حیث دلالت هم بی‌تردید روایات بر ممانعت خروج زوجه از منزل دلالت دارند و اذن را به مثابه یک حق برای شوهر دانسته‌اند. پرسش این است که آیا در این مورد تعبد خاصی وجود دارد یا معیار و ضابطه نهی از خروج زوجه بدون اجازه، منافات با حق زوج است؟ در مقام بررسی دلالت‌های این روایات، چند نکته دارای اهمیت است:

الف) روایت نخست به صراحت ظهور در جایز نبودن دارد؛ اما به قرینه «عدم بأس» که دربارهٔ روزه ذکر شده است، می‌توان جایز نبودن را به فرض تنافی با حق شوهر حمل نمود.

ب) در روایت دوم خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر مورد لعن قرار شدید قرار داده شده است و نمی‌توان آن را حمل بر کراهت کرد.

ج) زن بر اثر نشوز محروم از نفقه می‌گردد و با رجوع، پرداخت نفقه برمی‌گردد.

بنابراین از مجموع روایات چنین می‌توان نتیجه گرفت که ضابطه و معیار در جواز و عدم جواز خروج زن از منزل، منافات و عدم منافات با حق شوهر (استمتاع از همسر) است؛ به گونه‌ای که هرگاه خروج زوجه از منزل منافاتی با حق مذکور نداشته باشد، حرمتی برای بیرون رفتن زوجه متصور نخواهد بود (علیدوست و ساجدی، ۱۳۹۰: ص ۲۳). دربارهٔ عمل جراحی زیبایی نیز همین امر قابل صدق است؛ یعنی چنانچه عمل جراحی منافی با حق زوج (استمتاع) باشد، جراحی زیبایی برای زوجه جواز ندارد، مگر اینکه زوج اذن

دهد؛ زیرا در جراحی زیبایی، عنصر دوام وجود دارد و هرگاه زوجه عمل مذکور را انجام دهد، زوج نمی‌تواند از حق خود به طور صحیح و کامل برخوردار گردد؛ از این رو باید جراحی زیبایی را منوط به اذن شوهر دانست. در فرض اذن، آیا اذن باید صریح باشد یا به گونه ضمنی و علم به رضایت نیز کافی است؟ برخی از فقیهان در این باره قائل به اذن صریح شده‌اند و گفته‌اند علم به رضایت کافی نیست (شیری زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۲۴، ص ۷۶۵۸). به نظر می‌رسد مراد ایشان موردی است که به صراحت حقوق با زوج تنافی داشته باشد؛ در این حالت اذن صریح لازم است و در غیر این موارد فی الجمله علم به رضایت بسنده است و خروج مانعی ندارد.

۳-۱. برداشت فقیهان از روایات ناظر بر خارج نشدن زن از منزل و تطبیق آن بر پژوهش حاضر

در ادامه نظر فقیهان درباره مسئله را بررسی می‌کنیم و سپس تطبیق روایات مذکور در مقام بحث بررسی می‌شود. نظر فقیهان در این باره به طور کلی بر سه دسته است:

الف) برخی فقیهان در مقام در استدلال به این روایات موارد مطرح در آنها را به مثابه یک حق واجب کافی ندانسته‌اند؛ از جمله برخی گفته‌اند: «این روایت‌ها بر حقوق واجب و غیر واجب مشتمل است. عبارت «أن تطیعه ولا تعصیه» شامل اطاعت و عدم عصیان در هر زمینه است و روشن است که اطاعت شوهر در شستن لباس، پختن نان و سایر نیازها واجب نیست و نیز عبارت «ولا من کل مائة واحد» چنین معنا ندارد؛ علاوه بر آن، سیره زن‌های متدین، التزام به این امور نیست» (خوانساری، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۴۳۵). به نظر می‌رسد ایشان در مقام بیان این نکته است که روایات مذکور با وجود اشتغال بر حقوق واجب و غیر واجب، اجمال دارد و تا زمانی که دلیل روشن بر مسئله خروج زوجه از منزل وجود نداشته باشد، استدلال به آنها صحیح نخواهد بود. در مقام بحث نیز همین امر

صادق است؛ زیرا دلیل بر حرمت جراحی زیبایی وجود ندارد؛ پس بر اساس این روایت نمی‌توان اذن شوهر را در عمل جراحی زیبایی شرط دانست.

ب) برخی دیگر ضابطه برای منع خروج زوجه از منزل را مزاحمت با حق واجب زوج (استمتاع) بیان کرده‌اند: «مرد حق دارد زن خود را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا شوهر در تمام شبانه‌روز مستحق بهره‌وری از زن است و چون این حق را دارد، می‌تواند از همراهی جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند...؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم، مباح است یا استحباب دارد و امر واجب بر آنها مقدم است» (طوسی، ۱۳۸۷: ص ۲۳۱).

ج) برخی قائل به احتیاط شده‌اند و استدلال کرده‌اند که اطلاق اذن شوهر برای خروج زوجه از منزل مطابق احتیاط است: «زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن با حق استمتاع منافی باشد. البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اجازه شوهر خارج نشود؛ زیرا خروج بدون اذن شوهر، نشوز است. انجام دیگر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست، مگر با حق استمتاع منافی باشد» (خویی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۶۱). بر اساس این دیدگاه، هرگاه عمل جراحی با حق استمتاع منافات داشته باشد، حرام است، وگرنه حرام نیست.

د) در نهایت برخی از فقیهان به طور مطلق اذن زوج برای خروج زوجه از منزل را شرط می‌دانند، هر چند با حقوق زوج منافات نداشته باشد: «هریک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند، گرچه حق شوهر عظیم‌تر است. از جمله حقوق مرد آن است که زن از او اطاعت کرده، نافرمانی ننماید. از خانه‌اش بدون اجازه شوهر خارج نشود، گرچه برای زیارت یا عیادت پدر و بستگانش، حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکنند» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۸۸)؛ حتی برخی اذن خروج از منزل را

حق ذاتی شوهر دانسته‌اند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۲۴، ص ۷۶۵۸). در این باره کلمات بیشتر فقیهان امامیه مطلق است، فارغ از اینکه با حقوق زوج (استمتاع) تنافی داشته باشد یا تنافی نداشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۳۱؛ حلی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۱۰۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۲۵۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۲۷۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۲۵۱؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۵۱۶).

بنابراین از مفاد روایات و دیدگاه‌های فقیهان این نکته استنباط می‌شود که در وجوب اذن زوجه از زوج تردیدی وجود ندارد و این حق به صراحت برای زوج شناسایی شده است؛ اما پرسش این است که آیا حق مذکور به طور مطلق برای زوج ثابت است یا در فرض مزاحمت با حق زوج (استمتاع و بهره‌وری) شناسایی شده است؟ این مسئله از ادبیات فقیهان به علت نبود رویه و نظر واحد استنباط‌شدنی نیست؛ ولی با رجوع به روایات می‌توان چند نکته را استنباط کرد:

الف) قرآینی در روایات وجود دارد که مانع ظهور اطلاق روایات می‌شود.

ب) اذن که برای زوج در روایات مطرح شده است، بر این امر دلالت می‌نماید که انجام فعل که منوط به اذن شوهر شده است، فی حد ذاته و بدون لحاظ اذن زوج، با حق وی در تضاد و تزاحم است (علیدوست و ساجدی، ۱۳۹۰: ص ۲۵)؛ به همین دلیل زوج می‌تواند زوجه را از انجام کاری که با حق وی مزاحمت می‌کند، نهی نماید یا با چشم‌پوشی از حق خود اذن دهد.

در پاسخ به پرسش اصلی که آیا با استناد به این روایات می‌توان اذن شوهر در انجام عمل جراحی زیبایی را شرط دانست یا خیر، باید گفت به نظر می‌رسد به طور مطلق نمی‌توان اذن شوهر را در عمل جراحی زیبایی شرط دانست و باید بین صور مسئله تفکیک کرد. از آنجاکه طبق روایات مذکور استمتاع و بهره‌وری از انواع تمتعات و لذت جویی از حقوق زوج دانسته

شده است و چگونگی بهره‌مند شدن از آن نیز در اختیار وی قرار داده شده است، انجام عمل جراحی زیبایی و تزئینی که بیشتر آرایش و تزئین به شمار می‌آید که به طور طبیعی در آن عنصر دوام وجود دارد، باید در چگونگی و نوع استفاده از آن به اختیار و با اذن زوج صورت گیرد و اذن زوج را در آن شرط دانست؛ البته اذن زوج هم لازم است که با حقوق وی در تنافی باشد. در غیر این حالت به نظر می‌رسد با ایراد مواجه نخواهد شد؛ زیرا در خروج زوجه از منزل تعبد خاص مطرح نبوده است؛ همان‌طور که برخی از فقیهان معیار در لزوم اذن را مزاحمت و عدم مزاحمت با حق زوج می‌دانند، هرچند اذن از شوهر به صورت مطلق را مطابق احتیاط دانسته است (خویی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۶۱). افزون بر آن مراد از استمتاع مطلق استمتاع نیست، بلکه فقط در حقوق واجب زوج است؛ همان‌طور که برخی بعد از بررسی روایات مربوط گفته‌اند: «این روایات دلالت بر این ندارد که اطاعت شوهر به هر شکل و کیفیتی که باشد و در همه زمان واجب است؛ زیرا قطعاً مواردی از اشکال اطاعت واجب نیست. زوج مانند خدا و پیغمبر نیست که اطاعتش لازم باشد، بلکه از اول که القامی گردد، مضیق فهمیده می‌شود. پس اطلاق روایات مقصود نبوده و مضیق اراده شده است. پس دلیل بر مطلق استمتاع وجود ندارد، بلکه به تناسب حکم و موضوع تنها حقوق واجبه شوهر استفاده می‌شود» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۱۲۵۳).

بنابراین بعد از بررسی مفاد و دلالت روایات و نیز کلمات فقیهان در باب اذن شوهر درباره انجام عمل جراحی زیبایی از سوی زوجه، این نتیجه به دست آمد که روایات به طور مطلق دلالت بر لزوم اذن شوهر به همسر برای انجام عمل مذکور ندارد. همچنین در میان فقیهان به علت وجود نداشتن رویه واحد، نمی‌توان لزوم اذن شوهر را در عمل جراحی زیبایی استنباط کرد، مگر در مواردی که به صراحت با حق زوج (استمتاع) تنافی داشته باشد، هرچند مطلوب و حسن معاشرت، مقتضی اذن شوهر در همه امور زندگی است.

۴. دیدگاه‌های فقیهانی که به طور مطلق قائل به شرط نبودن اذن شوهر شده‌اند

برخی از فقیهان استدلال کرده‌اند از آنجا که دلیلی بر حرمت عمل جراحی زیبایی وجود ندارد، حکم آن فی نفسه اباحه و حلیت است؛ بنابراین اذن شوهر در انجام عمل جراحی زیبایی شرط نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ص ۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۲، ص ۱۱۴) و دلایلی را برای اثبات مدعای خود ارائه کرده‌اند. هرچند در ادامه اشاره خواهد شد دلایل این دسته از فقیهان را می‌توان به طور مطلق پذیرفت، بلکه اعتبار ادله مذکور در موردی است که با حقوق اساسی زوج (استمتاع) منافاتی نداشته باشد.

۴-۱. اصالة الاباحه

این قاعده یکی از قواعد مشهور بین دانشمندان علم اصول در شبهات حکمیه است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۹۹). برخی از فقیهان با استناد به اصل اباحه گفته‌اند زن دارای آزادی اراده است و اصولاً می‌تواند جراحی زیبایی را بدون اذن شوهر انجام دهد. این امر با قاعده سلطنت سازگاری دارد؛ بر اساس این قاعده هرکس تا زمانی که از گستره شریعت، عرف و عقل خارج نشود، بر خویشتن خویش مسلط است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۳۶ - ۳۷). در عمل جراحی زیبایی نیز این امر صادق است و زوجه همانند دیگر افراد بر اعمال و رفتار خود تسلط دارد؛ پس می‌توان به مقتضای این اصل، اباحه برای تزئین بدون اذن شاهد قائل شد؛ زیرا در این مورد دلیل بر حرمت وجود ندارد و جراحی زیبایی مشکوک الحکم است و هر آنچه مشکوک الحکم باشد، به حکم قانون حلیت یعنی «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۱۳) حکم به حلیت می‌شود. به نظر می‌رسد هرچند اصالة الاباحه مفید حکم جواز جراحی زیبایی برای زوجه می‌باشد، نمی‌توان اصل مذکور را به طور مطلق پذیرفت؛

چراکه زن طبق عقد نکاح مکلف به ادای حقوق زوج شده است؛ پس هر جا که با حقوق زوج (استمتاع) تنافی داشته باشد، نمی تواند انجام دهد و در مقام تراحم، حق زوج از باب قاعده اهم مقدم بر آن خواهد شد.

۴-۲. قاعده نفی عسر و حرج

یکی از قواعد مهم در این باب، قاعده نفی عسر و حرج است. حرج در لغت به معنای «ضیق، دشوار، تنگی، بدخویی، مشکل و...» است (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۳۴). واژه عسر نیز در مفهوم لغوی خود به معنای «سختی و شدت» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۵۶۳) آمده است و در اصطلاح عبارت است از: «عسر و حرج حالت تنگنا در عمل کردن به الزامات قانونی است که اگر مکلف به آن عمل کند، به مضیقه و سختی درافتد. در این صورت قاعده لا حرج به کار بسته می شود که منشأ کثیری از احکام ثانوی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ص ۴۵۵). بر اساس این قاعده هرگاه قائل به اشتراط اذن زوج برای جراحی زیبایی از سوی زوجه شد، ممکن است موجب ایجاد عسر و حرج برای زوجه گردد؛ زیرا امروزه جراحی زیبایی بین زنان به امری متداول مبدل شده است. ممانعت از این کار ممکن است برای زوجه آسیب های روحی به دنبال داشته باشد و مشقت های زیادی برای وی ایجاد کند؛ از این رو در قاعده عسر و حرج مقتضای اذن ندادن شوهر را می طلبد. در اینکه ملاک و ضابطه تشخیص عسر و حرج چیست، باید گفت از نظر فقیهان عسر و حرج دارای مفهوم عرفی است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۹۰)؛ چنانچه از نظر عرف، اذن شوهر در عمل جراحی زیبایی موجب عسر و حرج زوجه گردد، با استناد به قاعده عسر و حرج، اذن شوهر ساقط خواهد شد؛ برای مثال برخی افراد به

ظاهر خود حساسیت زیادی دارند، به گونه‌ای که جراحی زیبایی یکی از دغدغه‌های مهم آنان است. در این حالت هرگاه جراحی زیبایی انجام ندهند، حس بدبینی در آنان به وجود می‌آید و وضع موجود برایشان دشوار می‌شود و به لحاظ روحی افسرده می‌گردند. چنانچه زوجه بتواند این امر را ثابت کند، جراحی زیبایی برای او مباح خواهد بود. باید اذعان کرد از آنجاکه در جراحی زیبایی عنصر دوام و استدام وجود دارد، باید جواز جراحی زیبایی را منوط به عدم تنافی با حقوق بنیادین زوج دانست (نجفی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۰).

۴-۳. قاعده تسلیط

یکی از قواعد مهم که در بیشتر ابواب فقهی کاربرد دارد، قاعده سلطنت «الناس مسلطون علی اموالهم» است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۵۴؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۵: ص ۱۶۳؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۷: ص ۴۸۸). بر اساس این قاعده هر کسی بر اموال خود تسلط و اختیار برای هرگونه تصرفی را دارد (فتح‌الله، ۱۴۱۵: ص ۳۲۷؛ کیخا و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۶۶). با توجه به اینکه در متن حدیث، واژه «نفس» نیامده و تنها واژه «اموال» آمده است، چگونه می‌توان از این روایت سلطنت بر نفس را استنباط کرد؟ باید گفت هرچند در متن روایت رسول مکرم اسلام (ص) «سلطنت بر نفس» نیامده است، بسیاری از فقیهان آن را ثابت کرده و در بیشتر مسائل به آن استناد کرده‌اند (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۳: ص ۱۸۰؛ آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۱، ص ۴۳۳). دلیل استناد به این قاعده، اصل اولویت است؛ بدین مفهوم که وقتی انسان بر اموال خود سلطنت دارد، بر نفس خود به طریق اولی سلطنت دارد (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ص ۱۷) و این مسئله امر عقلایی و وجدانی است (خویی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۱۲۶)؛ چراکه «سلطنت بر مال از لواحق سلطنت بر نفس است»

(کیخا و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۶۸). دلیل عقلی نیز مؤید آن است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۹) و سلطنت بر نفس به طور غیرمستقیم از قاعده تسلط بر مال استفاده می‌گردد (حکیم، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ص ۱۷). مالکیت شخص بر مال و نفس خود ذاتی است و خداوند این سلطنت را امضا کرده است (خویی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۰۲ - ۳۰۳)؛ حتی به حسب رتبه، سلطه بر نفس مقدم بر رتبه سلط بر مال است، بلکه از لازمه تسلط بر مال، تسلط بر نفس است؛ زیرا مال محصول فعالیت و نتیجه فکری و اندیشه انسان است (منتظری، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۸۶). با این بیان انجام عمل جراحی زیبایی یکی از مصادیق تصرف بر نفس است و بر اساس قاعده سلطنت، نباید با منعی مواجه شود؛ در نتیجه انجام عمل جراحی زیبایی را نباید منوط به اذن شوهر دانست.

اما چالش اساسی اینجاست که با انعقاد عقد نکاح، علقه زوجیت و به تبع آن حقوق و تکالیف برای هر کدام از طرفین پدید می‌آید و اعمال حق سلطنت بر نفس برای زوجه با تکالیف زناشویی وی و با حق تمکین زوج تراحم پیدا می‌کند، مثل انجام عمل جراحی زیبایی. در این حالت حکم چیست؟ در مقام تراحم کدام بر دیگری مقدم می‌شود؟ البته (قبلاً نیز یادآوری شد) بحث ما در جایی است به لحاظ دلایل پزشکی جراحی زیبایی ضرورت نباشد و تنها به منظور شخصی و تزیینی انجام می‌گیرد و شوهر با آن مخالفت می‌نماید و اذن نمی‌دهد. به نظر می‌رسد هرگاه جراحی زیبایی با حق زوج (تمکین) در تراحم واقع شود، بدیهی است که حق زوج مقدم بر آن می‌شود و زن از انجام آن منع می‌گردد؛ زیرا با اطاعت جنسی شوهر منافات دارد و شوهر مالک منافع جنسی زن است (علیدوست و ساجدی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۱)؛ ولی در فرض عدم تراحم به دلیل نیاز است که در امور پزشکی این دلیل وجود ندارد؛ بنابراین زوجه می‌تواند بدون اذن شوهر اقدام به جراحی زیبایی کند.

۴-۴. اصل ضرورت

از این قاعده در فقه با عنوان «الضرورات تبیح المحذورات» یاد می‌شود. بر اساس این قاعده هر محذوری خواه حرام و ترک واجب و تأخیر واجب فوری چنانچه انجامش ضرورت پیدا کند، مباح خواهد شد. منظور از اصل ضرورت در اینجا احتیاج شدید و مشقت است (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۴۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۴۸۴)؛ به گونه‌ای که اگر آن محذور انجام نشود، موجب ورود زیان خواهد شد. این اصل دارای مبانی قرآنی و روایی است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳) و نیز در حدیث رفع آمده است: «رفع عن امتی تسعه... ماضطروا علیه» (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۴۱۷). ضرورت و اضطرار از عناوین ثانویه است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ص ۴۲۵) که با پیدایش آن، تکلیف از عهده مکلف رفع می‌شود.

در مقام بحث هرگاه جراحی زیبایی به حد ضرورت برسد، بر حسب کتاب، سنت و حکم عقل، محظوریت‌های عرفی برداشته می‌شود و برای تسهیل در انجام امور، امر حرام مباح می‌گردد؛ چراکه شریعت اسلام، شریعت سمحۀ سهله است. «البتّه به مقدار رفع ضرورت و هرچند عمل زیبایی در صحت و سلامت جسم مؤثر نباشد، ولی ممکن است عدم اجرای آن موجب مرض روانی غیرقابل تحمل باشد» (رحیمی و محب‌پور، ۱۳۹۸: ص ۷۵). پس حتماً ضرورت ندارد که جراحی زیبایی فقط برای بهبود مریضی یا رفع نقص و عیب باشد، بلکه همین که انجام ندادن آن سبب ناراحتی روحی زوجه گردد، اصل ضرورت، انجام عمل زیبایی جراحی بدون اذن شوهر را جایز می‌داند؛ با این وجود باید به وسواس‌های غیرعقلایی و غیرمنطقی توجه نشود و ضرورت آن تشخیص داده شود. ضابطه در این مورد عرف است؛ چنانچه عرف تشخیص دهد هرگاه جراحی زیبایی انجام نشود، سبب بیماری روحی زوجه می‌گردد، زوجه می‌تواند بدون اذن شوهر اقدام به عمل زیبایی کند. افزون بر آن، در بحث اذن شرط زوج برای انجام عمل جراحی زیبایی این امر ثابت شد ما دلیل شرعی بر حرمت

عمل جراحی زیبایی نداریم و تا زمانی که دلیل بر حرمت آن از سوی شارع مقدس نیامده است، حکم به مباح بودن آن خواهد شد. تنها مانعی که در این باره وجود دارد، حق زوج است. در مقام تزاحم، بدیهی است که حق زوج مقدم بر عمل جراحی زیبایی می شود؛ زیرا اطاعت زوجه از زوج دارای مبنای شرعی، عقلایی و عرفی است.

۴-۵. مصلحت

مصلحت از ریشه صلح و در مقابل مفسده به کار می رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۷؛ جوهری، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۸۴). برخی آن را به «ضد»، «نقیض» و «مفسده و فساد» معنا کرده اند (خلیل بن احمد، [بی تا]: ص ۴۵۳؛ فیومی، ۱۴۰۵: ص ۳۴۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۳۰۳). مصلحت در مفهوم اصطلاحی نزد اصولیون به معنای «جلب منفعت و دفع ضرر» تفسیر شده است (قمی، ۱۳۰۳: ج ۲، ص ۹۲؛ غزالی، [بی تا]: ص ۱۷۴) برخی گفته اند آنچه از کلمات و عبارات فقیهان و حتی ظاهر قرآن به دست می آید این است که آنچه از نظر عرف مصلحت و نفع نامیده می شود، تشریع شده اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۲، ص ۳۴۴). بنابراین هرگاه جراحی زیبایی فقط برای شخص به لحاظ فردی و اجتماعی دارای مصلحت باشد، در این صورت هرچند به عنوان اصل اولی حرام باشد، بر اساس مصلحت ثانوی حکم به جواز آن داده شود؛ مثلاً ممنوعیت جراحی زیبایی به نظام اجتماعی و اهداف غایی آن لطمه وارد نماید و سبب بروز آسیب های اجتماعی گردد. در چنین شرایطی مصلحت اجتماعی حکم به جواز زیبایی جراحی می کند. حتی برخی بر این باورند که در دنیای معاصر، واقعیت های زندگی اجتماعی دچار دگردیسی شده است و عامل زیبایی نقش مهمی در معادلات اجتماعی به ویژه در کشورهای صنعتی دارد و نه تنها بین هنرمندان و هنرپیشگان و بازیگران، بلکه برای بیش از نصف اجتماع تبدیل به یک عرف و عادت شده است (صفاتی و کاظمی، ۱۳۹۶: ص ۳۹ - ۴۰). با توجه به این بیان باید گفت اولاً اصلی در

این مورد وجود ندارد که دلالت بر حرمت نماید تا بر اساس مصلحت حکم به رفع حرمت و جواز آن داده شود؛ ثانیاً با فرض وجود حکم اولی حرمت در این مورد، با استناد به مصلحت حکم به جواز آن داده خواهد شد. البته این امر در موردی است که با حق بنیادین زوج در تنافی نباشد، وگرنه قاعده اهم مقدم بر اصل مصلحت خواهد بود.

نتیجه

عمل جراحی زیبایی از مسائل نوپدید، امروزه به رویه‌ای عادی بین گروه زنان به‌ویژه هنرمندان و سینماگران تبدیل شده است. درباره اینکه آیا زنان متأهل می‌توانند بدون اذن زوج عمل جراحی زیبایی انجام دهند و آیا با حقوق شوهران ناشی از عقد نکاح منافات ندارد، باید گفت یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد روایاتی که دلالت بر حرمت عمل جراحی زیبایی نماید، وجود ندارد و از روایات ناظر بر خارج نشدن زوجه از منزل بدون اذن شوهر در امور غیر واجب نیز نمی‌توان حرمت عمل جراحی زیبایی را استنباط کرد؛ زیرا اولاً روایات مذکور به طور مطلق دلالت بر منع خروج زوجه از منزل نمی‌کند، بلکه قراینی وجود دارد که مانع اطلاق روایات می‌شود؛ ثانیاً برداشت فقیهان از روایات نیز واحد نیستند تا به نتیجه واحد دست یافت. پس در مقام بحث روایتی وجود ندارد تا به آن استناد شود و انجام عمل جراحی زیبایی را منوط به اذن شوهر دانست. بنابراین با استناد به قاعده حلیت، می‌توان حکم به حلیت و جواز عمل جراحی از سوی زوجه و بدون اذن شوهر کرد؛ البته مشروط بر اینکه با حق اساسی زوج (استمتاع) در تنافی نباشد، وگرنه اذن شوهر شرط خواهد بود. افزون بر آن، برخی فقیهان با استناد به نبودن حکم اولی بر حرمت، در این باب قائل به حلیت و جواز این عمل شده‌اند و به قواعدی مانند حلیت، نفی عسر و حرج، تسلیط، ضرورت و اصل

مصلحت استناد کرده‌اند. البته باید گفت نمی‌توان قواعد مذکور را در این باره به طور مطلق پذیرفت؛ زیرا حق استمتاع از حقوق اساسی و بنیادین زوج بر زوجه است که دارای مبانی شرعی، عقلی و عرفی است و در فرض تراحم حق زوج با عمل جراحی، حق زوج از باب قاعده اهم و مهم مقدم بر عمل جراحی زیبایی خواهد شد. در نتیجه می‌توان به یک وحدت رسید و آن اینکه نبود اذن شوهر در انجام عمل جراحی منوط به تعارض نداشتن با حق اساسی زوج است، وگرنه به دلیل عنصر دوام در جراحی زیبایی، اذن شوهر شرط خواهد بود.

کتاب‌نامه

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتبه الکلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ چ سوم، بیروت: دار صادر.
- اسماعیل بن عماد، صاحب بن عباد (۱۴۱۴ ق)؛ المحيط فی اللغة؛ بیروت: عالم الکتب.
- اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ ق)؛ حاشیه المکاسب؛ چ اول، قم: مطبعة العلمیه.
- آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۷۸ ش)؛ مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا].
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ ق)؛ المکاسب؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- اولسن، مریل (۱۳۸۸ ش)؛ جراحی زیبایی؛ ترجمه: شهروز فرهنگ؛ تهران: کلید آموزش.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ ق)؛ صراط النجاه؛ ج ۹، قم: دار الصدیقه الشهیده.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۷ ش)؛ دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت؛ تهران: بنیاد راستا.
- _____ (۱۳۸۱ ش)؛ تئوری موازنه؛ تهران: گنج دانش.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ق)؛ تاج اللغة و صحاح العربیه؛ بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ ق)؛ العناوین الفقهیه؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حکیم، سیدمحسن (۱۴۱۴ ق)؛ مستمسک العروه الوثقی؛ قم: مکتب آیت الله معرشی نجفی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۵ ش)؛ قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام؛ قم: جامعه المدرسین.
- خلیل بن احمد [بی تا]؛ ترتیب کتاب العین؛ تحقیق: محمد حسن بکائی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ ق)؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۱۸ ق)؛ منیه الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات درس میرزای نائینی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۹ ق)؛ المستند فی شرح عروه الوثقی؛ [بی جا]: [بی نا].
- _____ (۱۴۱۲ ق)؛ مصباح الفقاهه؛ بیروت: دار الہادی.
- _____ (۱۴۲۷ ق)؛ فقه الاعذار الشرعیه و المسائل الطبیه؛ قم: دارالصدیقہ الشہیدہ (س).
- زیلعی، عثمان [بی تا]؛ تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقائق فی فقه الحنفی؛ بیروت: دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- رحیمی، مرتضی و راضیه محب پور (۱۳۹۸ ش)؛ «مصادیق تدلیس در جراحی و اعمال افزایش دهنده زیبایی»؛ مبانی فقهی حقوق اسلامی، س ۱۲، ش ۲۳.
- سبزواری، مولی محمدباقر (۱۴۲۳ ق)؛ کفایه الفقه (کفایه الاحکام)؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ ق)؛ کتاب النکاح؛ قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)؛ الروضه البهیہ فی شرح اللعنه الدمشقیہ؛ قم: انتشارات داوری.
- صالحی، حمیدرضا و نرگس باقری مطلق (۱۳۹۶ ش)؛ «مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوجه در اعمال جراحی زیبایی زوجه»؛ دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده، س ۲۲، ش ۶۷.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳ ش)؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

صفاتی، زهره و مرجان کاظمی (۱۳۹۶ ش)؛ «جراحی زیبایی از منظر فقه»؛ دوفصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات اسلامی میراث طاها، ش ۱.

صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم (۱۳۸۸ ش)؛ منتهی الارب فی لغه العرب؛ تهران: دانشگاه تهران.

طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۱۳ ق)؛ تقریرات ثلاثه؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طباطبایی حکیم، سیدمحسن (۱۴۱۶ ق)؛ مستمسک العروه الوثقی؛ قم: مؤسسه دارالتفسیر.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۶ ش)؛ سؤال و جواب فارسی؛ تحقیق: سیدمصطفی محقق داماد؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)؛ مجمع البحرين؛ تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)؛ المبسوط فی فقه الامامیه؛ تهران: المکتبه المرتضویه.

عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ ق)؛ مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام؛ بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).

علیدوست، ابوالقاسم و مهدی ساجدی (۱۳۹۰ ش)؛ «بررسی فقهی اطاعت زوجه از زوج»؛ مجله حقوق اسلامی، س ۸، ش ۲۹.

غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۸ ق)؛ حاشیه المکاسب؛ قم: دار الذخائر.

غزالی، ابی حامد محمد بن محمد [بی تا]؛ المستصفی فی علم الاصول؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.

فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (۱۴۲۴ ق)؛ کشف اللثام عن قواعد الاحکام؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

فتح الله، احمد (۱۴۱۵ ق)؛ معجم الفاظ فقه جعفری؛ [بی جا]: نشر مطابع.

فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۹ ش)؛ ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد؛ چ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ ق)؛ مصباح المنیر؛ چ اول، قم: مؤسسه دار البحره.

قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ ق)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- قمی، ابوالقاسم (۱۳۰۳ ق)؛ قوانین الاصول؛ تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر (۱۴۲۰ ق)؛ شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر؛ نجف: الذخائر.
- کلهرنیا گلکار، میثم و دیگران (۱۳۹۱ ش)؛ «بررسی فقهی - حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی های زیبایی و ترمیمی»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، س ۶، ش ۲۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ق)؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کیخا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸ ش)؛ «حق سلطنت زن بر بدن خود و تزامم با حقوق زوج»؛ دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده، س ۲۴، ش ۷۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۷ ق)؛ القواعد الفقهیه؛ قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
- _____ (۱۴۲۸ ق)؛ بحوث فقهیه هامه؛ قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ ق)؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ ترجمه: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری؛ قم: کیهان.
- موسوی خلخالی، سیدمحمد مهدی (۱۴۲۷ ق)؛ فقه الشیعه کتاب الاجاره؛ تهران: مرکز فرهنگی، انتشارات منیر.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰ ش)؛ تحریر الوسیله؛ چ سوم، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ ق)؛ کلمات سدیده فی مسائل جدیده؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، زین العابدین (۱۳۹۱ ش)؛ «خروج از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه»؛ مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۴۵، ش ۲.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق)؛ جواهر الکلام؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ ق)؛ موسوعه الفقه الاسلامی طبقا لمذهب اهل البیت (ع)؛ قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- _____ (۱۴۲۶ ق)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)؛ ج ۳، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

References

- Alidoust, Abolghasem and Mahdi Sajedi. 1390 Sh. "Juridical Study of Wife's Obedience to Husband." *Islamic law* 8, no. 29: 7-31.
- ʿĀmilī, Muḥammad b. ʿAlī al-Mūsawī al-. 1411 AH. *Madārik al-aḥkām fī sharḥ ʿibādāt sharāʾiʿ al-Islām*. Beirut: Al al-Bayt Institute.
- Āmulī, Mīrzā Muḥammad Taqī al-. 1378 Sh. *Miṣbāḥ al-hudā fī sharḥ al-ʿurwat al-wuthqā*. N.p.
- Anṣārī, Murtaḍā al-. 1420 AH. *Al-Makāsib*. Qom: Majmaʿ al-Fikr al-Islāmī.
- Fāḍil al-Hindī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-Iṣfahānī al-. 1424 AH. *Kashf al-lithām ʿan qawāʿid al-aḥkām*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Fakhr al-Muḥaqqiqīn, Muḥammad b. al-Ḥasan. 1389 Sh. *Īdāḥ al-fawāʿid fī sharḥ ish-kālāt al-qawāʿid*. Qom: Ismāʿīliyyān Institute.
- Faṭḥullāh, Aḥmad. 1415 AH. *Muʿjam al-fāz fīqh Jaʿfarī*. N.p.: Maṭābiʿ.
- Fayyūmī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1405 AH. *Miṣbāḥ al-munīr*. Qom: Dār al-Baḥra Institute.
- Gharawī al-Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn al-. 1408 AH. *Ḥāshiyat al-makāsib*. Qom: Dār al-Dhakhāʾir.
- Ghazālī, Abū Ḥāmid Muḥammad b. Muḥammad al-. n.d. *Al-Mustaṣfā fī ʿilm al-uṣūl*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya.
- Ḥakīm, Sayyid Muḥsin al-. 1414 AH. *Mustamsak al-ʿurwat al-wuthqā*. Qom: Library of Ayatollah Marʿashi Najafī.
- Hashemi Shahroudi, Sayyed Mahmoud. 1423 AH. *Mawsūʿat al-fiqh al-Islāmī ṭibqan li-madḥhab Ahl al-Bayt*. Qom: Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to Ahl al-Bayt School.
- Hashemi Shahroudi, Sayyed Mahmoud. 1426 AH. *Farhang-i fiqh muṭābiq-i madḥhab-i Ahl Bayt*. Qom: Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to Ahl al-Bayt School.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. 1385 Sh. *Qawāʿid al-aḥkām fī maʾrifat al-ḥalāl wa-l-ḥarām*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ḥusaynī al-Marāghī, Mīr ʿAbd al-Fattāḥ al-. 1417 AH. *Al-Anāwīn al-fiqhiyya*. Qom: Islamic Publishing Institute.

- Ibn Fāris, Aḥmad. 1404 AH. *Mu'jam maqāyīs al-lughā*. Edited by Abdussalam Muhammad Harun. Qom: Maktabat al-Kalām al-Islāmī.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al- 'Arab*. Beirut: Dār Ṣādir.
- Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn al-. 1418 AH. *Hāshiyat al-makāsib*. Qom: Maṭba'at al- 'Ilmiyya.
- Ismā'īl b. 'Imād, Ṣāhib b. 'Abbād. 1414 AH. *Al-Muḥīṭ fi al-lughā*. Beirut: 'Ālam al-Kutub.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. 1357 Sh. *Dāyirat al-ma'ārif-i ḥuqūq-i madanī va tijārat*. Tehran: Bunyād-i Rāstā.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. 1381 Sh. *Ti'urī-yi muvāzinih*. Tehran: Ganj-i Dānish.
- Jawharī, Ismā'īl b. Ḥammād al-. 1404 AH. *Tāj al-lughā wa-ṣiḥāḥ al- 'Arabiyya*. Beirut: Dār al- 'Ilm li-l-Malāyīn.
- Kalhornia Golkar Meisam, Seyed Mohsen Sadat Akhavi, Nejatollah Joor Ebrahimian, Mahmoud Abbasi. 2012. "Jurisprudential-legal study on permission basics and scope of performing aesthetic and reconstructive surgeries." *Medical law journal* 6, no. 21: 79-119.
- Kāshif al-Ghiṭā', Shaykh Ja'ar. 1420 AH. *Sharḥ al-Shaykh Ja'far 'alā qawā'id al- 'Allāma ibn al-Muṭahhar*. Najaf: al-Dhakhā'ir.
- Kaykha, Mohammadreza, Fatema Cheraghipour, and Zahra Abbasi. 2019. "The Wife's Self-authority Over Her Body against the Husband's Matrimonial Rights." *Family law and jurisprudence journal* 24, no. 70: 63-90.
- Khalīl b. Aḥmad. n.d. *Tartīb kitāb al- 'ayn*. Edited by Mohammad Hassan Bokaei. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1409 AH. *Al-Mustanad fi sharḥ al- 'urwat al-wuthqā*. N.p.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1412 AH. *Miṣbāḥ al-fiqāha*. Beirut: Dār al-Hādī.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1427 AH. *Fiqh al-a'dhār al-shar'iyya wa-l-masā'il al-tibbiyya*. Qom: Dār al-Ṣiddīqat al-Shahīda.
- Khwānsārī, Mūsā b. Muḥammad al-. 1418 AH. *Munyat al-tālib fi sharḥ al-makāsib*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Khwānsārī, Sayyid Aḥmad al-. 1405 AH. *Jāmi' al-madārik fi sharḥ mukhtaṣar al-nāfi'*. Qom: Ismā'īliyyān Institute.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1365 AH. *Al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 AH. *Bihār al-anwār*. Beirut: al-Wafa Institute.

- Makarem Shirazi, Nasser. 1417 AH. *Al-Qawā'id al-fiqhiyya*. Qom: Imam Amir al-Mu'minin School.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1428 AH. *Buḥūth fiqhiyya hāmma*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School.
- Momen Ghomi, Mohammad. 1415 AH. *Kalimāt sadīda fī masā'il jadīda*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Montazeri, Hossein Ali. 1409 AH. *Mabānī-yi fiqhī-yi ḥukūmat-i Islāmī*. Translated by Mahmoud Salavati and Abolfazl Shakouri. Qom: Keyhan.
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah. 1390 Sh. *Tahrīr al-wasīla*. Qom: Dār al-'Ilm Institute.
- Mūsawī al-Khalkhālī, Sayyid Muḥammad Mahdī al-. 1327 AH. *Fiqh al-Shī'a kitāb al-ijāra*. Tehran: Monir Publications.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan al-. 1404 AH. *Jawāhir al-kalām*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Najafī, Zainol'abedin. 2012. "Woman's Leaving Home and Permission of the Spouse from Shiite Jurisprudence Perspective." *Jurisprudence and the fundamentals of the Islamic law* 45, no. 2: 103-23.
- Olesen, R. Merrel. 1388 Sh. *Jarrāḥī-yi zībāyī*. Translated by Shahrooz Farhang. Tehran: Kilīd-i Āmūzish.
- Qummī, Abū al-Qāsim al-. 1303 AH. *Qawānīn al-uṣūl*. Tehran: Maktabat al-'Ilmiyyat al-Islāmiyya.
- Qurashī, Sayyid 'Alī Akbar. 1412 AH. *Qāmūs-i Qur'ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Rahimi, Morteza and Razieh Mohebpour. 1398 Sh. "Maṣāḍīq-i tadlīs dar jarrāḥī va a' māl-i afzāyish-dahandih-yi zībāyī." *Mabānī-yi fiqhī-yi ḥuqūq-i Islāmī* 12, no. 23: 63-90.
- Sabzawārī, Mawlā Muḥammad Bāqir al-. 1423 AH. *Kifāyat al-fiqh (kifāyat al-aḥkām)*. Qom: Islamic Publishing Institute).
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī al-. 1363 Sh. *Man lā-yahḍuruh al-faqīh*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Safipouri Shirazi, Abdorrahim. 1388 Sh. *Muntahā al-arab fī lughat al-'Arab*. Tehran: University of Tehran.
- Salehi, Hamidreza and Narges Bagheri Motlagh. 1396 Sh. "Muṭālī'ih-yi fiqhī-ḥuqūqī-yi izn-i zawj dar a' māl-i jarrāḥī-yi zībāyī-yi zawjih." *Fiqh va ḥuqūq-i khānivadih* 22, 67: 31-56.

- Sefati, Zohreh and Marjan Kazemi. 1396 Sh. "Jarrāḥī-yi zībāyī az manẓar-i fiqh." *Du-faṣlnāmiḥ-yi 'ilmī-ikhtiṣāṣī-yi muṭāli'āt-i Islāmī-yi mīrās-i tāhā*, no. 1: 21-54.
- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. 'Alī al-. 1410 AH. *Al-Rawḍat al-bahiyya fī sharḥ al-lum'at al-Dimashqiyya*. Qom: Davari Publications.
- Shobeiri Zanjani, Seyed Mousa. 1419 AH. *Kitāb al-nikāḥ*. Qom: Ray Pardaz Research Institute.
- Ṭabāṭabā'ī al-Ḥakīm, Sayyid Muḥsin al-. 1416 AH. *Mustamsak al-'urwat al-wuthqā*. Qom: Mu'assasa Dār al-Tafsīr.
- Ṭabāṭabā'ī al-Yazdī, Sayyid Muḥammad Kāzīm al-. 1376 Sh. *Su'āl va javāb-i Fārsī*. Edited by Seyed Mostafa Mohaghegh Damad. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulūm-i Islāmī.
- Ṭabāṭabā'ī Burūjirdī, Ḥusayn. 1413 AH. *Taqrīrāt thalātha*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Tabrīzī Jawād b. 'Alī al-. 1427 Sh. *Ṣirāṭ al-nijāt*. Qom: Dār al-Ṣiddīqat al-Shahīda.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn al-. 1416 AH. *Majma' al-baḥrayn*. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1387 AH. *Al-Mabsūṭ fī fiqh al-Imāmiyya*. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawiyya.
- Zala'ī, 'Uthmān al-. n.d. *Tabyīn al-ḥaqā'iq fī sharḥ kanz al-daqa'iq fī fiqh al-Ḥanafī*. Beirut: Dār al-Ma'rifa li-l-Ṭibā'a wa-l-Nashr.